

به بهانه درگذشت زها حدید: کنکاشی در حدود و ملزومات نقد

نویسنده: مهرداد بهمنی



درگذشت معمار مطرح دهه های اخیر، زها حدید، سونامی از مطالب در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی را به دنبال داشت. منطق دوقطبی این مطالب آدمی را در چرایی این برخوردها فرو می برد. دامنه بحث های ارایه شده به روانشناسی، اقتصاد سیاسی، جامعه شناسی سیاسی، سینما، مجسمه سازی، فلسفه، فمینیسم، مذهب، هویت، میراث فرهنگی، مهاجرت، جهان سوم و البته، معماری هم کشیده و چند متن جدی تر هم در امواج سونامی غرق شد. گروهی پروفایل های خود را سیاه کردند و برخی در سوگ شعور و خرد، دل نگران فصل پاییز شدند. مطلب حاضر تأمل و کنکاشی است به امید سایشی در خرد جمعی برای جهان روبه رو.

انسان ناطق ایرادگیر هم هست. این ایرادگیری ناشی از آن است که به دنبال کمال مطلق یا به قول امروزی ها سامان جهان است؛ کمال و سامانی که حد ندارد. این کمال جویی احتمالاً از دوران زرتشت تا انقلاب مشروطه از نوع وطنی اش و از دولت شهر یونانی تا قرون وسطای فرنگی اش، حال و هواهای گوناگونی را از سرگذرانده است. اما در کمال جویی اش کمتر شکی وجود دارد. اما اینجا هم همانند دیگر موارد، این هدف مقدس، وسیله را هم توجیه کرده است. تکفیر، تخریب، درافتادن و در منطق دوگانه خوب و بد، خودی و غیر خودی و سیاه و سفید قراردادن موضوع، سکه رایج ایرادگیری بوده است. نشانه های این مطلب حداقل در فرهنگ مکتوب ما اعم از متون ادبی، آثار سیاسی، اخلاقی و دینی و متون فلسفی به جا مانده قابل بررسی است. اما بسیاری کارایی این نحوه ایرادگیری در عصر جدید حتی در شکل نصیحت گونه اش چه برای ملوک و چه برای مملوک را مفید نمی دانند. در این دوران ایرادگیری گذشته به نقدی بر پایه دانش بشری و تجربه زیسته او بدل شده است. نقدی که در عین بیرحمی با سنجیدگی و با دیدن همه جوانب وریشه های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، محدودیت های سوژه و بالاخره چرایی هستی آن، به دنبال سامان نابه سامانی ها است. این نقد نه برای تخریب و تکفیر بلکه به جستجوی گفتمانی آموزنده و آینده نگر است. نقدی نه برای تفسیر بلکه برای تغییر! نقدی براساس تامل ورزی، فرزند زمان خود و بر مبنای اندیشه بر اندیشه. نقدی که به انسان یاری رساند تا با چشمانی گشوده و بیدار به دیده بانی و واکنش در برابر جهان در حال تغییر بپردازد.

نقد در عصر جدید همه عرصه‌های حیات مادی و معنوی بشری را در برمی‌گیرد. نقد هنری و ادبی نیز از بارقه‌های همین دوران است که به پیشینه، موقعیت تاریخی، فکری، زیبایی‌شناسی، افق‌های جدید گشوده شده و ویژگی‌های تکنیکی سوژه می‌پردازد. در این سنجش منتقدانه ارائه معیارهایی برای نقد، که خود می‌تواند سوژه انتقادی باشد الزامی است.

معیارهای نقد، سنجش یا داوری معماری را می‌توان در معیارهای کلی رهایی انسان، حفظ محیط زیست، حفظ میراث فرهنگی و یا مواردی همچون فرم، کارایی، زیبایی‌شناسی و غیره جستجو کرد.

حال اگر بر اساس کلیات مطروحه فوق به سراغ نمونه‌ای موردی مانند نقد فرد، اثر یا ایده زها حدید برویم، نقد ما با یکی از رویکردهای مختلف از جمله نقد همه جانبه چه ویژگی‌هایی را دارا می‌شود:

- زها حدید چونان نمونه زن مهندس معمار
 - زها حدید به عنوان انسانی عراقی در جهان
 - زها حدید از زاویه نگاه او به زندگی
 - زها حدید از نگاه همکاران او در یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های مشاور جهان
 - زها حدید از دیدگاه کارفرمایان او در حداقل ۴۵ کشور جهان
 - زها حدید از نظر حداقل ۹۵ اثر معماری او
 - زها حدید به دلیل تاثیر بر معماری و معماران ایران
 - زها حدید به دلیل طرح‌های غیر معماری او (لباس، ظروف، مبلمان، پارچه، جواهر و جز آن‌ها)
 - زها حدید با رویکرد حفظ منظر تاریخی و طبیعی
 - زها حدید از منظر افق‌های جدید گشوده بر جهان معماری
-

به نظر می‌رسد عبور از حیرت به حرکت مبتنی بر تامل و اندیشه، دست یافتنی است؛ اما نیازمند اسباب بزرگی در عرصه فردی و نیز عرصه اجتماعی است. ما نه در خانواده نه در مدرسه و نه در اجتماع درس‌های ارزیابی انتقادی را نیاموخته‌ایم. ما نیازمند آموزش این اصول در خانه و نهاد آموزش و جامعه هستیم. ما برای نقد مدرن نیازمند دانش بین رشته‌ای کافی هستیم تا بر پایه تجربه زیسته خود و تجربه جهانی بتوانیم با تامل، روندهای نو را از خلال انبوه سیاه مشق‌های گذشته دریابیم.

ما برای نقد، به جای تکفیر و تخریب و نصیحت فرد، اثر یا ایده‌ها نیازمند بررسی چرایی سوژه نقد هستیم.

مرجع نقد ما نیازمند استقلال و رهایی از وابستگی‌های مانع نقد است.

نقد ما نیازمند درک خلاق شرایط واقعا موجود از لحاظ نظری، قوام نهادها، سطح دانش نظری، فن‌آوری و اقتصاد جامعه است تا فرآروی از وضع موجود به وضعی بهینه امکان واقعی داشته باشد.

مطالب مرتبط

<http://www.radiozamaneh.com/88189>

<http://anthropology.ir/node/24124>